

سرنوشت مبهم آخرین درنای سیبری و همسفر بلژیکی اش

«امید» به فریدونکنار برمی گردد؟

گفت و گو

زهرنا کشوری - دبیر گروه زیست بوم / امید، آخرین بازمانده گروه غربی درناهای سیبری، تا دو سال پیش هر سال، ۳ هزار و ۶۰۰ کیلومتر را تنهایی بال می‌زد و در فریدونکنار فرود می‌آمد تا زمستان گذرانی

کند، تک درنای سیبری به شمال ایران که می‌رسید،

می‌شد پادشاه کوچ‌رو «اولجاکاله» فریدونکنار؛ بی‌سر و همسر، بی‌گروه و سپاه. او آخرین بازمانده از گروهی

از درناهای روسی است که پس از بال‌زدن‌های بسیار زیاد خود را به شالیزارهای شمال ایران می‌رساند؛ گروه غربی، چهار سال پیش بعد از گمانه‌زنی‌های بسیار سازمان حفاظت محیط زیست تصمیم گرفت تا یک درنا از بلژیک به فریدونکنار بیاورد تا

درنای سیبری «امید» امسال و برای

سومین سال پیاپی به ایران نیامد،

فکرمی‌کنید فریدونکنار دوباره

امید را ببیند؟

واقعیت این است که اگر قصد بازگشت داشت، طی سال‌های گذشته باید این کار را انجام می‌داد. به هر حال، ما هنوز قطع امید کامل نکرده‌ایم، اما باید توجه داشت که مهاجرت پرندگان تحت تأثیر عوامل مختلفی است و همیشه در کنترل انسان نیست. این حرکت کاملاً غریزی است و پرندگان طبق غریزه خود مهاجرت می‌کنند. اما اگر قصد داشت امسال بیاید، باید تا الان می‌آمد.

وضعیت درنای «آرزو» که برای همراهی با «امید» به ایران آورده شده، چه شد؟

همان‌طور که می‌دانید، آرزو پرورشی بوده و ما او را از بلژیک به فریدونکنار آوردیم. الان آرزو را به یکی از مراکز نگهداری حیات وحش در بایلسر منتقل کردیم. این پرنده تلاش کرد با درنای امید همراه شود، اما موفق به مهاجرت نشد و در تنکان زمین گیر شد. از آنجا او را گرفتیم و به مرکز منتقل کردیم.

محل نگهداری آرزو چگونه است، می‌تواند پرواز کند؟

مرکز نگهداری فضای مناسبی را برای

برش

برخی رسانه‌ها از فروش پرندگان مهاجر در خانه شکاری‌ها خبر می‌دهند، آیا شما این بازار زیرزمینی را تأیید می‌کنید؟

ببینید، اجازه دهید یک موضوع را در حد «فرضیات ذهنی» مطرح کنم؛ اینها مسائلی نیستند که بتوانیم صدردصد ردشان کنیم. بحث اصلی ما این است که بازار خرید و فروش نباید وجود داشته باشد. وقتی بازار نباشد، طبیعی است که عرضه و تقاضا کاهش پیدا می‌کند و تأثیر مستقیم روی روند صید می‌گذارد. آنچه ما می‌بینیم این است که تعداد صیادان منطقه به‌شدت کاهش یافته است. یکی از دلایل مهم آن نیز همین است که دیگر فضای آشکار و رسمی برای عرضه و فروش ندارند. حالا اینکه آیا این فعالیت‌ها به فضاهای زیرزمینی یا پنهانی رفته است؟ ما نمی‌توانیم این احتمال را صددرصد رد کنیم. به‌طور قطع، مواردی از این نوع فعالیت‌ها وجود دارد.

تمام تلاش ما این است که یک سبک معیشت جایگزین ایجاد کنیم. چند سالی است که روی این موضوع کار می‌کنیم، اما واقعیت این است که خیلی موفق نبودیم. امسال اما سازمان حفاظت محیط زیست دستورالعمل مشارکت جوامع محلی در حوزه حفاظت را ابلاغ کرده و این موضوع ابزار قانونی و اجرایی بهتری برای ما ایجاد کرده است. بنابراین برنامه‌ریزی کرده‌ایم که به‌صورت پایلوت این طرح را در یکی از دامگاه‌ها اجرا کنیم.

هدف این است که به مردم و بهره‌برداران نشان دهیم، بدون صید و صیادی هم می‌توان از حضور پرندگان درآمد داشت. اگر این نمونه موفق می‌شود، دیگران هم تشویق می‌شوند که همین مسیر را دنبال کنند. تمام تلاش ما این است که صید پرنده، تنها راه معیشت نباشد و این باور را تغییر دهیم.

بازار فروش پرندگان مهاجر در فریدونکنار زیرزمینی شده است؟

یکی از دغدغه‌ها این است که صیادان و فروشندگان، درآمد بالایی از فروش پرنده‌ها داشتند. برخی می‌گویند این درآمد آن قدر زیاد بود که طرف با همان پول زمین می‌خرد و خانه می‌ساخت. آیا درآمد معیشت‌های جایگزین واقعاً می‌تواند با آن قابل مقایسه باشد؟ اگر فقط یک گردشگر خارجی پرنده‌نگار را یک شب میهمان کنید- با ارائه غذا و محصولات محلی و تجربه بومی- درآمدی به دست می‌آورید که قابل مقایسه با درآمد‌های حاصل از شکار نیست؛ اصلاً در یک سطح نیستند. اما چون هنوز وارد این مسیر نشده‌ایم، هر کس از دید خودش درباره موضوع قضاوت می‌کند.

بازار فریدونکنار یک چوب‌زن (کسی که قیمت پرندگان را مشخص می‌کند) دارد که صاحب باغ پرندگانی در همان منطقه است. ادعاها این است که الان هم قیمت بازار زیرزمینی را ایشان تعیین می‌کند و در باغ پرندگان خود، پرندگان زینتی مهاجر را به فروش می‌رساند. بله، این فرد شناخته‌شده است و باغ پرندگان هم دارد. اما باید تأکید کنم که آن مکان تحت نظارت کامل سازمان است. همکاران ما به‌طور مستمر گونه‌هایی را که در آنجا نگهداری می‌شود، پایش می‌کنند و فعالیت‌ها رصد می‌شود. اینکه آنجا محور اصلی فروش باشد یا او بتواند آزادانه مثل گذشته عمل کند؟ خیر، چنین امکانی ندارد. قطعاً همکاران ما با همکاری دستگاه قضایی، نظامی و امنیتی اقدامات جدی علیه ایشان انجام داده‌اند. اینکه بگوییم او کاملاً از این ماجرا حذف شده، نه؛ نمی‌شود چنین ادعایی کرد. اما اینکه فعالیت‌ها با محوریت او باشد؟ خیر، چون تحت پایش کامل است و آزادی عمل گذشته را ندارد. اینکه بتوانیم بگوییم صدردصد هیچ فعالیتی نمی‌کند، تأیید نمی‌کنیم، ولی وضعیت اصلاً مثل گذشته نیست.

دلیل اصلی

حفاظت از

تالاب‌های

«سرخورد»

و «ازبایران» و

فریدونکنار

صرفاً درنای

سیبری

نبوده است.

این تالاب‌ها

میزبان

جمعیت‌های

متنوع

پرندگان

مهاجر

هستند؛

حدود ۲۴۵

گونه پرنده

مختلف،

با جمعیت

غالب از

گونه‌های

مهاجر، به

همین خاطر

این تالاب‌ها

به عنوان

سایت‌های

کنوانسیون

رامسر اعلام

شده‌اند

نه فقط به خاطر یک گونه خاص و در معرض انقراض. در رسانه‌ها و مجامع عمومی، معمولاً روی گونه‌های شاخص و در معرض خطر تمرکز می‌شود، اما در حالی که گونه‌های دیگری هم از لحاظ اهمیت حفاظتی هم‌رده درنای سیبری هستند، اما کمتر مورد توجه قرار می‌گیرند.

می‌توانید چند مثال بزنید؟ بله، گونه‌هایی مثل «تنجه» که ارزش و اهمیت بالایی دارند، اما توجه رسانه‌ای ندارند. و عمومی به آنها کمتر است. این موضوع باعث می‌شود تمرکز حفاظت و آموزش عمومی نیز محدود شود.

برنامه شما برای تالاب فریدونکنار چیست؟ رویکرد حفاظتی ما تغییری نکرده است؛ همان سیاست‌ها و تدابیر گذشته برای مدیریت تخرلفات و حفاظت از زیستگاه‌ها ادامه دارد. با این حال، نگاه جدیدی هم وجود دارد: سازمان طی چند سال اخیر تلاش کرده تا جوامع محلی، بویژه کسانی که به صورت سنتی درگیر صید و فعالیت‌های مرتبط هستند، به روش‌های پایدار و سنتی خود «دوما» بازگردند و روش‌های صید بی‌رحمانه مانند گذر، کرس یا

دام‌های هوایی را حذف کنند و در کنار آن، زمینه‌ای برای معیشت جایگزین جوامع محلی ایجاد کنند. به‌طور مثال، فعالیت‌هایی مثل پرنده‌نگری، گردشگری طبیعت یا بومگردی می‌تواند این مسیر را تبلیغ، تشویق و با اعمال برخی فرآیندهای تشویقی، حمایت می‌کند تا مردم به جای شکار، گردشگر جذب کنند، صنایع دستی و غذاهای محلی خود را عرضه کنند و از این طریق معیشت‌شان تقویت شود. البته مقاومت‌هایی وجود دارد و برخی صیادان حاضر به پذیرش این تغییر نیستند، اما سازمان با برنامه‌ریزی تلاش می‌کند که این موضوع جا بیفتد. به نظر من، راهکار واقعی و عملی، همین مسیر است.

با توجه به درآمد‌های بالای حاصل از بازار فروش پرنده، آیا این راهکارها واقعی است؟ تجربه کشورهای دیگر نشان می‌دهد که پرنده‌نگری درآمد بسیار بالایی دارد اما چون همچنان یک رفتار تقابلی وجود دارد و صیادان به معیشت‌های جایگزین ورود نکرده‌اند، همه این برنامه‌ها در حد حدس و گمان مانده است. اما اگر حتی یکی از صیادان محلی یک سال این جایگزین‌ها را تجربه کند، مطمئن باشید دیگر صیادان هم به این مسیر خواهند آمد. با توجه به این مسأله، ما در کنار هم جذب گردشگر خارجی علاقه‌مند به پرندگان، توسعه صنایع دستی و تولید محصولات جانبی می‌تواند درآمد قابل توجهی ایجاد کند.

برای اینکه این برنامه موفق شود، لازم است همه تالاب‌ها مرتبط شامل مراجع انتظامی، قضایی و دستگاه‌های اجرایی همکاری کنند. اگر فقط محیط زیست تلاش کند، بدون حمایت سایر دستگاه‌ها، موفقیت کامل امکان‌پذیر نخواهد بود.

الان وضعیت شکار غیرمجاز در فریدونکنار به چه صورت است؟ تلاش‌های دو ساله دستگاه‌های اجرایی بوقه قضائیه در این منطقه بسیار مؤثر بوده است. ما توانستیم بازار اصلی فروش پرندگان را حذف کنیم و به همین دلیل حجم شکار و عرضه کاهش قابل توجهی داشته است.

وقتی بازار وجود نداشته باشد، هم تقاضا کم می‌شود و هم عرضه محدود می‌شود. بنابراین تا حدی موفق بوده‌ایم، اما موفقیت صدردصد هنوز حاصل نشده است و شیوه‌های سنتی صید مانند دامگاه‌ها و تورهای هوایی همچنان به‌صورت محدود وجود دارد.

با توجه به اینکه می‌گویید شکار غیرمجاز کاملاً حذف نشده، خرید و فروش‌ها به چه صورت است؟

الان پنهانی شده است. ما گشت‌های نامحسوس با همراهی مراجع قضایی و دستگاه‌های متولی داریم و رستوران‌ها یا مراکزی که قبلاً پرنده عرضه می‌کردند، تحت کنترل هستند. بنابراین در ملاعام پرنده‌ای برای فروش وجود ندارد. البته ممکن است هنوز خرید و فروش در فضای مجازی یا به صورت زیرزمینی ادامه داشته باشد، اما در سطح عمومی و بازار سنتی تقریباً حذف شده است.

درباره غیبت پرندگان در فریدونکنار شنیده می‌شود که دلیل آن تغییر اقلیم است و گفته می‌شود شکار با فعالیت‌های انسانی دیگر اثری نداشته‌اند. نظر شما چیست؟

تغییر اقلیم یک موضوع جدی است و نمی‌توان منکر آن شد. حتی در تالاب میانکاله، به دلیل کاهش بارش و ترسیدن آب به تالاب، بخش قابل توجهی از آن خشک شده است. وقتی زیستگاه مناسب نباشد، پرنده‌ها حضور پیدا نمی‌کنند. بنابراین، قطعی است که تغییر اقلیم تأثیر دارد. اما این به معنای آن نیست که کاهش جمعیت پرندگان تنها به تغییر اقلیم مربوط باشد. در واقع، مجموعه‌ای از عوامل در کنار هم اثرگذار هستند. شکار و صید غیرمجاز قطعاً یکی از این عوامل بوده و نمی‌توان آن را نادیده گرفت.

الان فکرمی‌کنید چراتعداد پرندگانی که به سرخورد، ازبایران و فریدونکنار می‌آیند، کم‌تر شده است؟

تعیین دقیق اینکه کدام عامل مهم‌ترین دلیل کاهش است، امکان‌پذیر نیست. تغییرات اقلیمی، پروژه‌های اجرایی در محدوده تالاب و حتی اثرات فعالیت‌های انسانی می‌توانند زیستگاه پرندگان را تغییر دهند و باعث شوند که آنها به زیستگاه‌های دیگری کوچ کنند. نمی‌توانیم بگوییم صید و شکار عامل محدوده‌کننده نبوده، قطعاً تأثیر داشته است. اما سهم هر یک از این عوامل را به صورت دقیق نمی‌توان شخص کرد و نیاز به تحقیقات جامع و علمی دارد.

وضعیت دامگاه‌ها و تورهای هوایی بزرگ در سال‌های اخیر چگونه است؟ آیا هنوز همان شیوه‌های گذشته ادامه دارد؟

دام‌های هوایی هم یکی از شیوه‌های صید غیرمجاز است، اما برخورد ما در چند سال اخیر بسیار جدی‌تر شده

است. بلافاصله اگر همکاران ما دام‌ها یا تورهای هوایی را ببینند، آنها را قلع و قمع و حذف می‌کنند.

تالاب، زمین کشاورزان است. آیا کشاورزان اجازه ورود محیطیان را به شالیزار می‌دهند؟ وقتی تالاب به حالت آبگیر در می‌آید، مردم حضور ندارند.

اما دامگاه را به تور هوایی که در یک حرکت ۵۰۰ بال پرنده را شکار کند، مجهز می‌کنند؟

کسانی که تور هوایی می‌زنند و دامگاه‌دارها دو گروه متفاوت هستند. با هم نیز تقابل دارند. اگر دام هوایی را تخریب کنی، دامگاه‌دارها خیلی اعتراض نمی‌کنند. بنابراین وضعیت بسیار پیچیده است و نا وارد منطقه نشوید، نمی‌توانید این شرایط را درک کنید.

من به این منطقه آمدم و دیدم که کشاورزان آنقدر مراقبت می‌کردند که ما از هیچ راهی نتوانستیم وارد شالیزار شویم. حتی شاهد بودم که محیطیان از آنها تک‌تک خوردند. الان شرایط نسبت به گذشته چگونه است؟

تقریباً می‌توان گفت نسل قبلی که بسیار تهاجمی بود، بازنشسته شده و نسل جوان‌تر جایگزین شده است. ما ارتباط بیشتری با آنها برقرار کرده‌ایم و جلسات متعددی نیز گذاشته‌ایم تا حرف‌های همدیگر را بشنویم. نمی‌گوییم حرف‌های ما را قبول کرده‌اند، ولی حداقل گوش می‌دهند و در جلسات حاضر می‌شوند. با این حال، درک متقابل کامل نشده و هنوز برخی افراد به شیوه غیرسنتی صید خود ادامه می‌دهند. این روند هنوز صدردصد اصلاح نشده است.

چه راهکارهایی برای بهبود وضعیت و مشارکت جوامع محلی دارید؟

نیاز داریم که همه مشارکت داشته باشند، بویژه جوامع محلی. هر کسی به اندازه سهم خود می‌تواند کمک کند. رسانه‌ها، تلویزیون و فضای مجازی هم می‌توانند نقش مهمی ایفا کنند. هدف این است که تهدید را به فرصت تبدیل کنیم؛ ایجاد اشتغال، درآمدزایی و معرفی کشورمان به عنوان یکی از مقاصد پرندگان در تالاب ثبت شده است. در کنوانسیون رامسر. با استفاده از این ظرفیت‌ها هم می‌توانیم حفاظت محیط زیست را تقویت کنیم. همه کشورها دارند از این ظرفیت استفاده می‌برند اما ما متأسفانه آن را از بین می‌بریم.

موجود است،» شعار همچنین نقش سد‌ها را عامل اصلی خشکی ندانست و یادآور شد از سال ۱۳۹۴ سد جدیدی ساخته نشده است.

او درباره بارورسازی ابرها گفت: «این روش تنها در شرایط خاص قابل

اجراست و «در بهترین حالت ۵ تا ۱۰ درصد» به بارش اضافه می‌کند و بنابراین راهکار مطمئنی نیست.» شعار تأکید کرد: «احیای دریاچه ارومیه تنها با مدیریت علمی منابع آب، مشارکت مردم و اصلاح الگوی گشت امکان‌پذیر است.»



عکس ایران

فرونشست

در برخی

از نقاط

آذربایجان

غربی به ۱۴

تا ۱۶ سانتی

متر در سال

رسیده است

اعلام کرد: «مصرف آب استان بیش از سه میلیارد و ۷۰۰ میلیون مترمکعب است که ۸۳ درصد آن در بخش کشاورزی مصرف می‌شود.» رستگاری با اشاره به افت شدید آبخوان‌ها گفت اکنون حدود ۱.۵ میلیارد مترمکعب از منابع زیرزمینی تخلیه شده که این برداشت بیش از حد موجب افت سطح ایستابی چاه‌ها، افزایش شوری و بروز فرونشست در دشت سلماس شده است؛ فرونشستی که براساس داده‌های پیژومتری در برخی نقاط به ۱۴ تا ۱۶ سانتی متر رسیده است. او تأکید کرد که کاهش مصرف، انتقال روان‌آب‌ها و کنترل برداشت آبخوان‌ها باید همراه با اقدامات سخت‌افزاری و مشارکت مردم پیش برود.

در پایان نشست، ایمان شعار، رئیس حوزه آبریز دریاچه ارومیه، با رد شایعات مربوط به خشک‌کردن دریاچه برای برداشت لیتیم گفت: «ذخایر لیتیم در کف دریاچه ناچیز و فاقد

بازندگی، تبخیر را تا پنج برابر ورودی‌ها افزایش داده است.» او توضیح داد که ورودی‌های دریاچه از بارش مستقیم، روان‌آب‌ها و ۱۴ رودخانه مهم تأمین می‌شود اما مصرف بالای آب در بخش کشاورزی و کاهش بارش موجب افت شدید ورودی‌ها شده است. به گفته او، حتی ورودی‌های زیرزمینی گذشته -از شده و سیاسی کردن این موضوع- ظلم مضاعف» به دریاچه است. رحمانی تأکید کرد که دولت چهاردهم احیای دریاچه ارومیه را در اولویت قرار داده و تقاضاهم‌های جدید با جهاد کشاورزی برای کاهش مصرف آب در دست اجراست.

مصرف بالای آب در بخش کشاورزی

در بخش دیگری از این نشست، محمود رضاژاد، رئیس دانشگاه ارومیه، با ارائه تحلیلی علمی از وضعیت دریاچه گفت: «تغییرات اقلیمی، افزایش دما و کاهش

زیست بوم- در حالی که استاندار آذربایجان غربی بر باروری ابرها به‌عنوان یکی از اقدامات احیای دریاچه ارومیه تأکید می‌کند، رئیس حوزه آبریز دریاچه می‌گوید این روش تأثیر چندانی ندارد و فقط می‌تواند مقدار محدودی به بارش اضافه کند. این اختلاف‌نظرها در شرایطی مطرح می‌شود که بحران آب در آذربایجان غربی و افت بی‌سابقه تراز دریاچه ارومیه، دانشگاه‌ها و مدیران استانی را به سمت بررسی راهکارهای چندوجهی برای کاهش مصرف و افزایش ورودی‌ها سوق داده است.

در پنجمین کنفرانس ملی هیدرولوژی ایران که با حضور نماینده فاشو در دانشگاه ارومیه برگزار شد، رضا رحمانی، استاندار آذربایجان غربی، مجموعه‌ای از اقدامات کلیدی برای احیای دریاچه را برشمرد. او گفت: «کاهش مصرف آب، باروری ابرها، لایروبی رودخانه‌ها و انتقال آب به